

رویکردها در طراحی نظامات دینی با تأکید بر عرصه اخلاق و تربیت*

امیر غنوی^۱

چکیده

دین مدعی جامعیت نسبت به همه عرصه‌های زندگی و پاسخگویی به نیازهای بشر تا روز قیامت است. اگر در عصر تشریح، نیازهای فکری مردمان با ارائه استدلالاتی ساده و روان پاسخ می‌گرفت اما دین برای اعصار بعد نیز ذخایر پنهانی داشت که شکافندگان علم دین یعنی صادقین علیهم‌السلام متناسب با نیازهای فکری جدید به آشکار کردن این گنجینه‌های نهان پرداختند. باور به غنای دین، ما را نیز به این باور رسانده است که دین برای عصر ما نیز جوابگو است؛ عصری که در آن، ما نیاز به ارائه نظامات دینی برای عرصه‌های مختلف زندگی هستیم. این دغدغه سال‌هاست که اندیشمندان دینی را به تلاش‌های پر دامنه‌ای کشانده و این نوشته کوتاه می‌کوشد تا گزارشی اجمالی از این جنبش علمی ارائه دهد. کوتاهی فرصت و فرودستی نویسنده، این گزارش را محدود به مشهورترین رویکردها و با تأکید خاص بر حوزه تخصصی راقم این سطور یعنی اخلاق و تربیت همراه کرده است. گزارش با ارائه رویکردی تازه و متفاوت در عرصه نظام‌سازی دینی به پایان می‌رسد که شاید با نقد ناقدان بتواند به گامی بیشتر در این عرصه خطیر بیانجامد.

واژگان کلیدی

نظام‌های دینی، نظام‌سازی، مبانی، اهداف، رویکردها.

مقدمه

در قرون اخیر با نضج گرفتن تفکر اصلاح طلبانه و احیای دینی و در برابر اندیشه‌های منظم و منسجمی که متفکرین غربی در عرصه‌های مختلف زندگی انسان عرضه می‌کردند، آرام آرام جریان وسیعی برای بنا کردن طرح‌های منسجم و مبتنی بر اندیشه دینی شکل گرفت. از آن جا که این حرکت در قبال اندیشه‌هایی آغاز شد که حوزه‌های اجتماعی و مبانی اعتقادی را کانون توجه خود قرار داده بود، طبعاً تلاش متفکرین مسلمان معطوف به یافتن طرح‌هایی در حوزه مبانی اعتقادی و نظام‌های اجتماعی گردید.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۰

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم، ایران (amir_ghanavi@yahoo.com).

در قرن نوزدهم، مکاتب سوسیالیستی و در رأس آنها مارکسیسم، درخششی فوق العاده در عرصه بین الملل داشتند و از اوایل قرن بیستم و با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مسلمانان خود را در برابر معارضی جدی یافتند که در همه عرصه های زندگی، مدعی نوآوری و طراحی بود. در برابر این جریان سیاسی - فکری، متفکرین مسلمان تلاش های بسیاری برای ارائه طرح هایی جامع از دین به انجام رساندند و طرح های گوناگونی از نظام های دینی در عرصه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ارائه شد.

رویکردهای چهارگانه به بحث نظام ها

رویکردهای مختلف در بحث نظام های دینی در این نکته هم آوا هستند که آموزه های دینی از ساختاری منسجم برخوردارند. آموزه های دینی در قرآن اگرچه در شکل ارائه از نظم شناخته شده ای برخوردار نبوده و غالباً ترتیب روشنی در آن به چشم نمی خورد اما بررسی های دقیق تر وجود انسجامی محتوایی را معلوم کرده و همخوانی میان گفتگوهای به ظاهر متفاوت را نشان می دهد. روایات نیز اگرچه در نگاه اول در بسیاری از موارد گرفتار تعارض به نظر می رسند اما آن جا که با اصول برگرفته از کلام معصوم و تحلیل های عقلایی و عرفی، نگاهی دوباره به این مجموعه داشته باشیم انسجام و نظم عمیق را در خواهیم یافت. اساساً با پذیرش صدور قرآن از مصدر حکمت و وحیانی دانستن کلمات پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام، تردیدی در انسجام و هدفمندی کلمات پروردگار و سخنان معصومان باقی نمی ماند و عدم دست یابی ما به این حقیقت در برخی موارد جز به خاطر جهل و کوتاه دستی نیست.

باور به نظام مندی در دستورات دینی به معنای پذیرش هدفمندی دستورات در شکل دهی هماهنگ و متناسب به زندگی انسان در دنیا و آخرت است. این باور نتیجه طبیعی پذیرش حکمت پروردگار است. افزون بر این، پژوهشگران قرآن و حدیث به این نکته واقف هستند که دستورات دینی غالباً با تعلیل و توضیحاتی همراه اند که از اهداف و مقاصد این دستورات خبر داده اند. با بررسی روایات و آیاتی که جایگاه این اهداف را در مجموعه اهداف کلان دینی توضیح می دهند می توان به هماهنگی ها و تناسب میان آن دستورات نیز دست یافت.

نکته دیگری که رویکردهای مختلف در بحث نظام به آن اذعان دارند لزوم ارائه نظام مند آموزه های دینی است. دستورات پراکنده و توضیحات ناهم ساز امروز در عرصه تفکر و اندیشه خریداری ندارد؛ چراکه این پراکندگی و ناهم سازی ها از ضعف در عقلانیت خبر داده و در عصر امروز و شعار عقلانیت توجهی را به خود جلب نخواهد کرد. البته این رویکردها در تحلیل میزان

نیاز به ارائه نظام مند و چگونگی آن هم داستان نیستند.

آنچه بحث «نظام‌های دینی» را پیچیده و جذاب می‌کند تفاوت‌های ظریفی است که میان رویکردهای گوناگون در بحث نظام‌ها وجود دارد که فرایندهای متفاوتی را برای رسیدن به نظام‌های دینی به دنبال خواهد داشت. تبیین این رویکردها و تشخیص ویژگی‌های هریک، می‌تواند فضای بحث را روشن‌تر را سهل‌تر کند.

رویکرد نخست: تأکید بر تحلیل مفاد واژه «نظام»

در این رویکرد به این نکته توجه شده است که دستیابی به پاسخ در خصوص چیستی نظام‌های دینی، در وهله نخست در گروی درکی درست از موضوع مسئله یعنی عنوان «نظام» است. کلید گشودن این بن بست در تحلیل معنای لغوی و یا اصطلاحی این واژه است تا بدانیم که دقیقاً باید در میان آموزه‌های دینی در جست‌وجوی چه چیزی باشیم. اگر پرسش از معنای عرفی نظام و مصادیق طبیعی آن باشد باید از واژه‌نامه‌ها و استعمالات بهره گرفت و اگر پای اصطلاحی علمی در میان باشد باید از اهل آن استفسار کرده و چارچوب دقیق این واژه را شناخت و سپس در میان معارف دینی در جست‌وجوی آن برآمد.

این نگاه به مسئله به بررسی دقیق واژه نظام و واژه معادل آن در زبان لاتین یعنی System می‌انجامد. این بررسی‌ها به ما نشان می‌دهد این واژه فراتر از معنای ساده «نخی که باعث گرد هم آمدن و نظم مهره‌ها است» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸، ۱۶۶) در طیفی از معنای به کار گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. موضوعی پیچیده، متشکل از عناصری که با تعدادی روابط به یکدیگر مرتبط‌اند؛^۱
۲. واحدی کلی که از روابط موجود میان عناصر، کنش‌ها یا اشخاص سازمان یافته است؛^۲
۳. نظام، مجموعه پیچیده و سازمان یافته‌ای از اجزای به هم وابسته است که در راه نیل به هدف‌های معینی با یکدیگر هماهنگی دارند؛^۳
۴. نظام، مجموعه‌ای پیچیده و سازمان یافته است که از روابط تعاملی موجود بین عناصر، کنش‌ها، یا اشخاص تشکیل شده و این اجزاء بر یکدیگر به طور پویا اثر می‌گذارند و برای به

-
1. System In Wikipedia. Retrieved 10 31, 2019, from: <https://en.wikipedia.org/wiki/System>
 2. System In YourDictionary. Retrieved 10 31, 2019, from: <https://www.yourdictionary.com/system>
 3. System In Cambridge Dictionary. Retrieved 1031,2019, from <https://dictionary.cambridge.org/pl/dictionary/english/system>

انجام رساندن کار یا دست یافتن به هدفی خاص سازمان یافته‌اند؛^۱

۵. نظام، جریانی است که به مجموعه‌های مرتبط هدفمند، معنا داده و آنها را تبیین می‌کند، جریانی که مبنا، مقصد، روش و راه و مراحل را مشخص می‌نماید؛^۲

۶. نظام عبارت است از تبیین و تعریف یک حرکت متشکل از مبدأ، مقصد، متحرک، مسیر، روش و مراحل حرکت بر مبنای معرفتی تعریف شده، به گونه‌ای که جهت حرکت، رشد متحرک بوده و حرکت پوچ و بی‌معنا نباشد.^۳

تعاریف فوق نشان می‌دهد که تکرار اجزاء، هدفمندی، هماهنگی و پویایی ارتباط و مثبت بودن جهت حرکت عناصری هستند که در مفهوم نظام مورد توجه قرار گرفته‌اند. نظام در ساده‌ترین معنا، صرفاً از وجود اجزاء، ارتباط و کلیت واحد خبر می‌دهد و می‌تواند تا آنجا توسعه یابد که به تبیین یک حرکت که مشتمل بر مبنا، مقصد، راه و روش حرکت، مسیر و مراحل آن و حتی ویژگی‌های خود متحرک را نیز در خود داشته باشد. واژه نظام ظرفیت لازم برای به کارگیری در هر یک از معانی فوق را دارد و ما با توجه به هدفی که از بحث نظام‌ها دنبال می‌کنیم و با عنایت به چگونگی آموزه‌های اسلامی می‌توانیم یکی از این قالب‌ها را برای ارائه بحث خویش انتخاب کنیم. آنچه قالبی را نسبت به سایر قالب‌ها امتیاز می‌بخشد همخوانی آن با نیاز ما و تناسب آن با محتوای ادله شرعی است. اگر هدف ما صرفاً نمایش نظم آموزه‌های دینی است می‌توانیم این آموزه‌ها در ساده‌ترین قالب از میان قالب‌های فوق ارائه دهیم؛ یعنی صرفاً نوعی سازمان‌دهی و ارتباط میان آموزه‌ها را کشف کرده و با نشان دادن آن، اتهام تشتت را پاسخ بگوئیم. اما اگر اهداف دیگری در نظر باشد باید قالبی متناسب با آن انتخاب کرد. مثلاً اگر مدعی وجود طرحی در میان دستورات اخلاقی دین هستیم که آدمی را از حسیض تا به اوج راهنمایی می‌کند مناسب است برای ارائه چنین نظامی از قالب ششم استفاده کرده و آموزه‌های اخلاقی دین را در چنین قالبی عرضه کنیم.

مهم‌ترین مزیت این رویکرد، سادگی در وصول به تعریف نظام است؛ زیرا کافی است تا با بررسی معنای لغوی و اصطلاحی نظام، عناصر مفهومی آن را معلوم کرده و چارچوب آن را

1. System#Websters. In YourDictionary. Retrieved 10 31, 2019, from: <https://www.yourdictionary.com/system#websters>
2. System. In BusinessDictionary. Retrieved 10 31, 2019, from: <http://www.businessdictionary.com/definition/system.html>
3. System. In BusinessDictionary. Retrieved 10 31, 2019, from: <http://www.businessdictionary.com/definition/system.html>

مشخص کنیم. مزیت دیگر، بازگازدن دست طراح در چگونگی ارائه نظام است. طراح می‌تواند با کاستن از قیود در تعریف نظام، کار خود را در ساخت و ارائه نظام ساده‌تر کند. در ساده‌ترین شکل، صرفاً با ارائه همسازي‌ها و روابطی میان احکام در یک عرصه می‌توان ادعا کرد که نظام دینی در آن عرصه تبیین شده است. اما این ارائه‌ها صرفاً برای رفع شبهه بی‌نظمی مفید است اما معلوم نیست که بتواند پایه‌ها و مبانی کافی برای پاسخگویی به همه پرسش‌ها را فراهم آورد و دست‌مایه لازم برای تدوین برنامه‌های جامع را در اختیار برنامه‌ریزان بگذارد.

در این رویکرد، گام بعدی، تلاش برای یافتن چنین مجموعه‌ای در میان آموزه‌های دینی خواهد بود که البته هرچه تعاریف دارای قیود بیشتری باشند یافتن این مجموعه با سختی و تکلف فزون‌تری مواجه خواهد شد.

رویکرد دوم: استفاده از اصطلاحات و قالب‌های موجود

تلاش برای ارائه نظام‌مند آموزه‌ها حرکتی است که صاحبان مکاتب غیر دینی، پیش از محققان مسلمان آغاز کرده و برای آن قالب‌های مختلفی را تدارک دیده‌اند. ارائه آموزه‌های دینی با استفاده از قالب‌هایی مشابه انجام شده که بیشترین سهم از این تلاش‌ها را به عرصه اقتصاد اختصاص دارد. این رویکرد در حقوق، تربیت، اخلاق و برخی عرصه‌های دیگر حیات فردی و اجتماعی مسلمانان شکل گرفته است که البته گاه در ذیل عنوان «نظام» نبوده ولی با همین دغدغه و نگاه، صورت پذیرفته است.

در عرصه حقوق، جلیل‌قنواتی نوشته‌ای با عنوان «نظام حقوقی اسلام» ارائه کرده است.^۱ او معنای ساده «مجموعه اجزای منسجم و مرتبط و دارای هدف واحد» را برای واژه نظام برگزیده و نظام حقوقی را مجموعه‌ای از قوانین جاری دانسته که دارای اصول و مبادی است که برحسب نیازها و رویدادهای اجتماعی دچار تفریح می‌شوند. در این نگاه، ویژگی‌های نظام حقوقی عبارت‌اند از: وجود احکام حقوقی دارای ضمانت اجرا، ابتنای احکام بر قواعد عام و جامعیت، عقلانیت و انسانی بودن این قواعد و وجود انسجام میان آنها. قنواتی اگرچه در شمارش ویژگی‌ها از اهداف خاص و مبانی ویژه برای نظام سخنی نگفته، ولی در ادامه، نظام حقوقی را دارای این خصوصیات دانسته است. او در این راستا، قواعد عام در حوزه‌های مختلف برشمرده، نظام حقوقی اسلام را ترسیم کرده است.

۱. در تدوین بخش‌های مختلف این نوشته آقایان فضائی، شمس و امامی‌پور مشارکت داشته‌اند.

تحلیل فنواتی در حقیقت تبدیل علم فقه موجود به ساختاری است که در آن قواعد اصلی از قواعد فرعی جدا شده و این قواعد به تفاوت عرصه‌های حقوق، دسته‌بندی و نظم یافته‌اند. این نوشته ناظر به علم فقه - فقه احکام - است و همان گونه که در فقه احکام بحثی استنباطی از مبانی و اهداف را شاهد نیستیم این نوشته نیز بحثی از این جنس را در خود جای نداده است. این طرح بیش از آن که نظامی برای پاسخگویی فراهم آورده باشد تلاشی است برای نظام بخشی به علم فقه و دربرگیرنده گفت‌وگوهایی است از جنس فلسفه علم فقه.

در عرصه تربیت، نوشته *مسئولیت و سازندگی* از مرحوم علی صفایی حائری و همچنین نوشته خسرو باقری با عنوان *نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی* اگرچه نام نظام را بر خود ندارند اما مروری بر فهرست و مقدمه آن نشان می‌دهد که با چنین انگیزه‌ای به رشته تحریر درآمده‌اند.

مرحوم صفایی در کتاب *مسئولیت و سازندگی* از دو نظام تربیتی به تفصیل و از نظام اخلاقی به اجمال می‌پردازد. بحث نخست در ذیل عناوینی چون وظایف و اعمال مربی - آزادی، تعلیم و تذکر - و وظایف و اعمال متربی - تدبیر، تفکر و تعقل - سامان یافته است. اما نظام اخلاقی اسلام در لابه‌لای مطالب کتاب آمده و مراتب تحول اخلاقی را چنین برشمرده و با توضیحی کوتاه همراه کرده است: تفکر، شناخت خودم و ربیم، ایمان، تقوا، زهد، رضا، حیرت و تفویض. در این قسمت، ایشان تصریح کرده که این عناوین، نظام اخلاقی اسلام را نشان می‌دهد.

تبویب کتاب *مسئولیت و سازندگی* خود از منظر طرح نظام تربیتی اسلام قابل بررسی است. در این کتاب، پس از بحث تعریف مسئولیت و تبیین مبانی آن، در فصلی به مفهوم تربیت و امکان آن، شکل و روش‌های تربیتی انسان و گسترده‌گی این مسئولیت پرداخته است و در ادامه، برای هر یک از عناوین زیر فصلی اختصاص یافته است: ویژگی‌های مربی، روش تربیتی اسلام، روش شناخت، جهان بینی اسلامی، آرمان‌ها، شکل‌ها و شاغول‌ها، استعدادها، روحیه‌ها و هنگام تربیت. این گفت‌وگوها تصویری بسیار نظام‌مند و چشم‌نواز از تربیت اسلامی ارائه می‌دهد.^۱

۱. افزون بر کتاب فوق، مرحوم صفایی در باب تربیت اسلامی نوشته دیگری با نام «انسان در دو فصل» دارد که تربیت انسان قبل از بلوغ و پس از آن را با یکدیگر متفاوت دانسته و هر کدام را در فصلی مورد بحث قرار می‌دهد. فصل اول به تربیت کودک یا انسان نابالغ است که بحث از محیط‌های سه‌گانه تربیتی، روش‌ها، عوامل و وسایل تربیت در خود جای داده است. فصل دوم از تربیت انسان پس از عقل و بلوغ سخن می‌گوید و صرفاً به دو بحث روش تربیت و حوزه‌های تربیت پرداخته است. بحث نخست اگرچه در آن عناوینی مشابه کتاب مسئولیت و سازندگی دیده می‌شود ولی تقدم عنوان ذکر بر دو روش تزکیه و تعلیم و همچنین محتوای کاملاً تازه‌ای که در ذیل دو روش دیگر آمده، حکایت از دستاوردهای تازه‌ای در عرصه دارد. بحث از تربیت در حوزه شناخت و احساس علی‌رغم تفاوت‌ها با گفت‌وگوهای پیرامون جهان بینی و آرمان‌ها

مرحوم صفایی آن جا که از نظام های دینی سخن می گوید بیانی کوتاه و مختصر دارد و معمولاً از مراحل و مسیری خبر می دهد که فرد در عرصه آن نظام خاص باید طی کند تا به مقصود برسد. ترسیم مسیر تحول در یک عرصه، از آغاز تا پایان، مهم ترین محوری است که می تواند به ترسیم نظام کمک کند ولی تا مبانی آن نظام و اهداف آن به روشنی مورد بحث قرار نگیرد و جایگاه احکام و دستورات آن عرصه در این میان، مشخص نشود، طرح نمی تواند پایه های لازم برای ترسیم نظامی جامع را فراهم بیاورد.

خسرو باقری در نوشته *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی* ابتدا به توصیف انسان در قرآن، مفهوم شناسی تربیت و اهداف تربیتی پرداخته و سپس بر پایه این مقدمات از مبانی انسان شناسانه اسلام سخن گفته و اصول و روش هایی را مشخص کرده است که از آن مبانی استخراج می شوند. در پایان، مراحل انجام کار تربیتی را با تکیه بر روایت درجات اسلام تبیین کرده است. قالبی که باقری برای تبیین تربیت اسلامی انتخاب کرد در نوشته های تربیتی و اخلاقی دیگران مورد تبعیت قرار گرفت.

نوشته باقری مبتنی بر الگویی شناخته شده در رشته خویش است. در این الگو، بار تحلیل صرفاً بر دوش مبانی و اهداف قرار گرفته و اصول و روش ها همگی از آن استنتاج می شوند. اما در تطبیق این طرح بر فضای آموزه های دینی جایی برای احکام باقی نمی ماند؛ احکامی که اگرچه با مبانی هم ساز بوده و در راستای اهداف هستند اما الزاماً از مبانی و اهداف استنتاج نمی شوند و بسیاری از آنها جز از طریق شارع حکیم در دسترس عقل و فکر ما قرار ندارد.

در زمینه اقتصاد، نوشته های پرشماری را می توان یافت که از اقتصاد اسلامی سخن گفته اند و غالباً به این ادعا در عنوان اصلی اشاره دارند. بی تردید مشهورترین نوشته در این زمینه کتاب *اقتصادنا* است که توسط شهید سید محمد باقر صدر نگاشته شده است (صدر، ۱۳۷۸ ش).^۱ او در این کتاب تلاش کرده است تا براساس مفاهیم اقتصادی اسلام - مانند مالکیت خصوصی و آزادی اقتصادی - و سیستم حقوقی آن - مانند لغو بهره - به شناسایی مکتب اقتصادی اسلام نائل شود. مکتب اقتصادی از نظر صدر، هر قاعده اساسی از زندگی اقتصادی را در برمی گیرد که به مفهوم عدالت اجتماعی مرتبط باشد. البته برخی قواعد از یک زاویه به علم اقتصاد مربوط

در کتاب مسئولیت و سازندگی مشابهت دارد بحث از تربیت در حوزه عمل نیز تقریری تازه از مباحث کتاب صراط را در خود جای داده ولی بحث از تربیت در حوزه علوم کاملاً تازه و متناسب با پرسش ها و نیازهای همان دوره تنظیم شده است. ۱. این طرح از سوی برخی اقتصاددانان مسلمان نیز به عنوان طرحی برای نظام اقتصادی اسلام پذیرفته و متناسب با ادبیات اقتصادی تقریر شده است (ر.ک: نمازی، ۱۳۸۲ ش: ۲۲۳-۲۶۰).

می‌شوند و از زاویه‌ای دیگر به مکتب اقتصادی؛ مانند قانون مفرغ دستمزدها یا قانون عرضه و تقاضا. وظیفه مکتب اقتصادی ارائه راه‌حل‌هایی است که با مفهوم عدالت‌خواهی سازگار باشد. در نگاه صدر، قواعد مکتب اقتصادی نسبت به سیستم قانونی زیربنا هستند و البته حقوق و قانون جهت کلی سیستم اقتصادی را معلوم می‌کند. البته در کشف قواعد اساسی مکتب اقتصادی اسلام، باید به احکام و دستورات دینی را مطالعه و با کمک آنها مکتب اقتصادی اسلام را معلوم کرد. در این مسیر، اگر گاهی نظر ما با آنچه با انتظام مکتب اقتصادی سازگارتر است همسو نبُود می‌توانیم از میان نظرات فقها نظری را برگزینیم و آن را در مکتب اقتصادی جای دهیم. افزون بر دستورات دینی، آراء و نظریات تفسیرکننده رویدادهای طبیعی، اجتماعی یا تشریحی نیز برای کشف مکتب اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. وابستگی جهان هستی به خداوند در زمره این مفاهیم است که بینش خاص اسلام درباره جهان هستی را نشان می‌دهد و ذاتی نبودن حق مالکیت برای انسان، تصور اسلام از مالکیت را مشخص می‌کند. این مفاهیم می‌تواند به برخی مشکلات در فهم نصوص را برطرف نماید.

نظر شهید صدر از جهاتی درخور تأمل است:

اول) گویی ایشان با این پیش‌فرض همراه است که در میان ادله، پاسخی مستقیم برای پرسش‌های اقتصادی نمی‌توان یافت؛ از این رو، ایشان با استفاده از تراش فقهی تلاش می‌کند که از قواعد حقوق اقتصادی به مکتب اقتصادی اسلام برسد. به نظر می‌رسد این پیش‌فرض قابل دفاع نیست؛ چراکه پرسش‌های کلیدی عرصه اقتصاد قابل پاسخگویی براساس کتاب و سنت هستند اگرچه در منابع فقهی به این نوع پرسش و پاسخ‌ها توجهی نبوده است؛

دوم) مکاتب اقتصادی عمدتاً حاوی یک یا چند پیام و رویکرد مهم در عرصه اقتصاد هستند اما در منابع دینی غنای کافی برای ارائه طرحی فرازمانی - فرامکانی برای همه عرصه نیازهای اقتصادی وجود دارد و درج اقتصاد اسلامی در زمره مکاتب اقتصادی موجب کوچک شمردن نقش این آموزه‌ها در طراحی اقتصادی تازه خواهد بود؛

سوم) رویگردانی از فتوای خویش و انتخاب فتوایی متناسب با مکتب اقتصادی سخنی است غریب. فقیه هنگامی که فتوایی را انتخاب و نظرات دیگر را کنار می‌گذارد به واقع بر این باور است که نظرات دیگر باطل و خلاف منابع دینی هستند و نظر خویش را همان حکم پروردگار می‌انگارد. حال، چگونه می‌تواند به خاطر محذور در طراحی مکتب، از نظری استفاده کند که از نگاه او خلاف مقتضای ادله بوده، و حکم خدا برخلاف آن است؛

چهارم) آنچه ایشان به عنوان مفاهیم مبنایی مطرح کرده و برای آن نقش ویژه در طراحی

مکتب اقتصادی قائل شده است به مبانی اندیشه دینی یا مبانی اندیشه دینی در حوزه اقتصاد قابل تأویل است. این مفاهیم که مستقیماً از ادله استفاده می‌شوند و بر ظهورات مبتنی هستند نقشی کلیدی در فهم احکام اقتصادی دارند و اهداف اقتصادی از میان این نوع مبانی قابل استنباط و استخراج هستند؛

پنجم) مرحوم صدر به مقاصد و اهداف اقتصادی التفات کافی نداشته و از ارزش تفقه در مقاصد اقتصادی دین غفلت کرده‌اند. استخراج مقاصد اقتصاد اسلامی از ادله می‌تواند مبنایی محکم برای تعیین تکلیف در منطقه الفراغ باشد؛ زیرا با تبیین دقیق هدف، منطقه الفراغی باقی نمانده و همه افعالی که حکم مستقیم شرعی ندارند با توجه به نسبت‌شان با این هدف، دارای حکم خواهند شد. در حقیقت مبانی و مقاصد برای هر وضعیتی دستورالعملی را خواهد داشت که با توجه به مستند بودن مبانی و مقاصد، این دستورالعمل‌ها نیز مستند تلقی خواهد شد (صفایی، ۱۳۸۲ش «الف»: ۱۷۶).

نظام اقتصادی صدر اسلام نوشته‌ای است از سیدکاظم صدر که تصویری از نظام اقتصادی شهر مدینه در عصر پیامبر ﷺ ارائه داده است اما مدعی ارائه نظام اقتصادی به‌طور کلی یا برای دوره‌های اخیر نشده است. قالبی که صدر ارائه داده اگرچه برای امروز نیز درس‌هایی را در خود دارد ولی به‌هیچ‌روی قابل توسعه به دنیای اقتصاد صنعتی، خدماتی و فراتر از آنها نیست. برخی اقتصاددانان مسلمان متأثر از دو نوشته اقتصاددان مشهور فرانسوی ژوزف لازوژی به طراحی نظام اقتصادی اسلام روی آورده‌اند.

لازوژی در کتاب *دکترین‌های اقتصادی*^۱ از تفکرات و متفکرینی سخن می‌گوید که بر تاریخ تفکر و فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار بوده‌اند و در ورای سیستم‌های اقتصادی قرار دارد. کتاب در سه بخش از «کمونیسم برگزیدگان تا فردگرایی لیبرالی»، «فردگرایی لیبرالی تا کمونیسم بی طبقه» و «در جستجوی انسانیت اقتصادی» سخن گفته و گفتگوی کوتاه اما دقیقی است از سیر تفکر اقتصادی از آغاز تا زمان تألیف کتاب. بخش اول از تفکر اقتصادی از زمان افلاطون تا قرن نوزدهم گزارش داده و بخش دوم گفتگو را تا ظهور مارکسیسم ادامه می‌دهد. بخش سوم از تفکری خبر می‌دهد که پس از مشخص شدن نتایج تفکر مارکسیستی شکل گرفته است.

کتاب *سیستم‌های اقتصادی*^۲ از تاریخ واقعیت و عمل اقتصادی می‌پردازد. این نوشته برخلاف

۱. افکاری در ترجمه فارسی آن عنوان مکتب‌های اقتصادی بر آن نهاده است.

۲. مترجم عنوان نظام‌های اقتصادی را برای کتاب برگزیده است.

بسیاری از نوشته‌های مشابه به ترسیم نهادهای اقتصادی و روابط میان آنها اکتفا نکرده، به مبانی فکری و ارزشی نظام‌های اقتصادی نیز توجه دارد؛ زیرا نظام‌های اقتصادی در حقیقت با اصول و جهان بینی‌های متفاوت حاکم بر خود، ساختارهای تصمیم‌گیری، اطلاعاتی و انگیزشی متفاوتی را شکل می‌دهند و در صحنه عمل نیز از همدیگر متمایز می‌شوند. انتخاب عنوان مکتب یا نظام براساس تعاریف فوق بر مجموعه آموزه‌های اقتصادی اسلام نارسا است؛ زیرا مکتب‌های اقتصادی عمدتاً متکی بر برخی رویکردها یا نکات کلی هستند و آموزه‌های اقتصادی اسلام مستقیماً با رفتارهای اقتصادی در حوزه تولید، توزیع و مصرف سروکار داشته و دربرگیرنده دستورات عمل‌های گسترده و متنوعی در عرصه حیات اقتصادی است. مفهوم سیستم در اندیشه لاژوئی نیز گزینه مناسبی برای نام‌گذاری مجموعه آموزه‌های اقتصادی اسلام نیست؛ چراکه ارتباط محقق شده میان افراد و نهادهای مختلف اقتصادی را بررسی می‌کند و با تصویر فرازمانی - فرامکانی آموزه‌های اسلامی تناسبی ندارد.

مهدی هادوی در کتاب *مکتب و نظام اقتصادی اسلام* بر پایه طرح کلی خود در مقاله «نظریه اندیشه مدون» (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷ ش: شماره ۷) طرحی در باب نظام اقتصادی اسلام ارائه کرده است.^۱ او برای ارائه طرح خود، برخی واژه‌ها را با تعاریفی خاص مبنای کار خود قرار داده است. از نظر او، «فلسفه اقتصادی اسلام» به دسته‌ای اعتقادات اسلامی اطلاق می‌شود که در حوزه اقتصاد به عنوان مبنایی برای مکتب اقتصادی اسلام تلقی می‌شوند؛ اعتقاداتی که به خدا، جهان و انسان مربوط بوده و به اقتصاد و معیشت فرد و جامعه ارتباط می‌یابد، مانند اعتقاد به رزاقیت پروردگار برای موجودات (خداشناسی)، نامحدودی بالقوه منابع طبیعی (جهان‌شناسی) و مجبور نبودن انسان در تبعیت از امیال خویش (انسان‌شناسی). او «مکتب اقتصادی اسلام» را مجموعه گزاره‌های تجویزی - بایندی - می‌داند که از فلسفه اقتصادی اسلام استنتاج شده و بعضاً از اصول مسلم اقتصاد تلقی شده و زیربنای «نظام اقتصادی» را می‌سازند؛ مانند مالیت و ارزش و قواعد توزیع ثروت‌های طبیعی. بعضی دیگر از این گزاره‌های تجویزی، اغراض و مقاصد نظام اقتصادی را شکل می‌دهند؛ مانند عدالت اقتصادی و استقلال و رشد اقتصادی. هادوی در تعریف «نظام اقتصادی اسلام» آن را مجموعه نهادهای جهان‌شمولی می‌داند که براساس مبانی مکتبی و در جهت اهداف اقتصادی اسلام تنظیم شده‌اند. مراد ایشان از نهاد، الگویی از روابط افراد، سازمان‌ها و عناصر دخیل در حوزه

۱. این نوشته در ویراست‌های جدید از قالب‌ها و تعاریف کتاب لاژوئی فاصله گرفته است.

اقتصاد است که دین برای تثبیت آن در جامعه می‌کوشد؛ مانند الگویی از رابطه صاحبان مازاد درآمد با نیازمندان و همچنین نهاد قرض الحسنه. هادوی در ادامه، از عنوان «سازوکار اقتصاد اسلامی» سخن می‌گوید که ظاهراً معادل «سیستم اقتصاد اسلامی» است. این سازوکار همان نهادهای جهان شمول‌اند که برای وضعیت و شرایط خاص طراحی شده‌اند (هادوی تهرانی، ۱۳۸۳ش: ۴۵-۴۷).

بافت سلسله مراتبی در طرح هادوی از جهاتی دچار اشکال است:^۱

۱. اسلام معارفی را به ارمغان آورده که انسان، هستی و نقش انسان در هستی را از تاریکی و ابهام بیرون آورده و در چنین فضا و متناسب با چنین تلقی از انسان و نقش او، برای او آرمان‌هایی را تدارک دیده است. این درک از انسان و هستی به تغییر نگاه او به عناصر مهم در فعالیت اقتصادی می‌انجامد و پذیرش آن آرمان‌ها در ساحت زندگی اقتصادی، او را به اهداف متفاوتی نائل می‌کند. برساختن اصطلاحات نباید ما را از این ترتیب و ترتب طبیعی مباحث دور کند. آری، احکام دین همگی با این اهداف هماهنگ شده‌اند و هر یک بخشی از نقشه راه را مشخص کرده‌اند؛

۲. نخستین دغدغه‌ای که محققان مسلمان را به سوی بحث نظام‌ها کشاند اثبات این نکته بود که آموزه‌ها و احکام دین مجموعه‌ای از مطالب منسجم و مترابط است که در کنار هم هدف‌های مشخصی را تعقیب می‌کند. نظامات دینی، پاسخگوی نیازهایی بود که مکاتب مختلف در عرصه‌های زندگی به پاسخ آن پرداخته‌اند. اندیشمندان مسلمان نیز در پاسخ به این نیازها، کوشیده‌اند تا انتظام و نظام‌مندی آموزه‌های دینی به نمایش درآورند. اما نظریه اندیشه مدون، حتی در قالب و شکل نظام اقتصادی، کمی به ترسیم ترابط میان احکام و همچنین تناسب آنها با اهداف و نیازها ندارد؛

۳. تعبیر «سازوکار» برگردانی است از واژه سیستم و هادوی در توصیف آن هم‌چنان هم‌داستان با ژوزف لائوژی است؛ آری، طرح اسلام برای اقتصاد یک جامعه در دوره‌ای خاص، براساس ترکیبی رخ می‌دهد که میان شرایط و موقعیت خاص با آموزه‌های فرازمانی - فرامکانی

۱. تعاریفی که مؤلف محترم در تقسیم‌بندی مباحث برای واژه‌های فلسفه اقتصادی، مکتب اقتصادی و نظام اقتصادی ذکر کرده است با تعاریف مصطلح در فرهنگ‌های علمی متفاوت است اما برای پرهیز از اطاله کلام و تمرکز بر بحث محتوایی به آن پرداخته نشد؛ رک:

Hausman, Daniel M., "Philosophy of Economics", The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Fall 2018 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <<https://plato.stanford.edu/archives/fall2018/entries/economics/>>

همین مشکل در خصوص تعریف مکتب اقتصادی نیز وجود دارد.

اسلام رخ داده است، اما جناب هادوی در چگونگی و فرایند این کار توضیح چندانی برای مخاطب ارائه نداده است.

رویکرد سوم: نگاه جامع به نظام‌های دینی

متفکران مسلمان در بررسی نظام‌های اسلامی کمتر نگاهی عام داشته و عمدتاً از زاویه تخصص خویش به آن پرداخته‌اند. از این میان، مرحوم صفایی حائری رویکردی متفاوت اتخاذ کرده و نگاهی جامع به بحث نظام‌ها در دو کتاب حرکت و از معرفت دینی تا حکومت دینی داشته است.

صفایی در نوشته حرکت، که تقریری است از درس‌های شفاهی ایشان، به تفصیل از نظام‌های دینی سخن گفته است. در نگاه ایشان، دین با تفکر آغاز شده و میوه آن شناخت است. این شناخت‌ها با درک بلاواسطه انسان از خودش آغاز شده و او از شناخت «خود»، «وضعیت خود»، «ترکیب خود» و «نقش خود» به درک نظم، زیبایی، هدفمندی و حقانیت، و زمان‌مندی جهان می‌رسد.^۱ این «بینش مجموعی» وضعیت انسان را عوض کرده، در او «عقیده» و احساسی متفاوتی به وجود می‌آورد. این عقیده‌ها و آرمان‌ها نتیجه آن شناخت‌ها و معارف هستند. عشق و ایمان به خدا، به ادامه خود، به هستی و به همراهان در چنین شرایطی پدیدار شده و روابط او را دچار تغییر می‌کند. او اکنون محتاج احکام و دستوراتی است که این روابط را تنظیم کند و نیازمند نظام‌هایی است که احکام در آن‌ها معنا می‌دهد.

اولین نظامی که در عمل تحقق می‌یابد نظام تربیتی است؛ انبیاء با استفاده از تفکر و ادراکات بلاواسطه او، تربیت را آغاز کرده و او را به تفکر در خود (روم: ۸) و سپس در جهان (آل عمران: ۱۹۱) و در ادامه، در تاریخ و جامعه (روم: ۹) می‌خوانند. انسان این‌گونه با خود، با عظمتش و رابطه‌هایش آشنا شده و در این وسعت و این حجم از رابطه، محتاج دستورهایی خواهد بود که همان کتاب یا مجموعه دستورات عملی است و نیازمند موازینی خواهد شد که به او امکان استفاده از این دستورات را بدهد. اینها همه در این آیه آمده است: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾ (حدید: ۲۵). نهایت این سیر به پا ایستادن انسان است که با تصمیم‌گیری خود اوست ﴿ليقوم الناس بالقسط﴾ (حدید: ۲۵). در این نظام تربیتی باید به پرسش‌هایی از قبیل امکان تربیت، خصوصیات مربی، روش تربیت و

۱. برای دیدن بحث مفصل ایشان در این زمینه رک: صفایی حائری، ۱۳۸۱ش «ب» ج ۱، ۷۳؛ همو، ۱۳۸۶ش: ۱۱۴؛ همو، ۱۳۸۵ش: ۱۴۳.

ویژگی‌های متربی پاسخ داد. این تربیت مبنای نظام اخلاقی اسلام و مقدم بر همه نظام‌های اجتماعی اسلام است.

در نظام اخلاقی، دردهای فردی و اجتماعی شناسایی می‌شوند؛ از شک، شبهه، کفر، نفاق تا بخل، حسد و ریا و... تمام دردها با ترکیب با دو عامل معرفت و حب خدا، تبدیل می‌شوند و از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود «يَبْدِلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» (فرقان: ۷۰).^۱ بعد از نظام تربیتی و نظام اخلاقی نوبت به نظام‌های اجتماعی می‌رسد. کسانی که شرایط در آنها به وجود آمده، با یکدیگر پیوند خورده و جامعه‌ای منتخب را شکل می‌دهند که به خاطر انتخاب، نه گزینه یا تولید، گرد هم جمع شده‌اند. مدینه النبی چنین جامعه منتخبی است که در آن، دوره‌ها به هم نزدیک و نزدیک‌ها از هم دور شده‌اند. در این جامعه، اگرچه تقسیم کار هست، اما همگان یک هدف دارند و در برابر یکدیگر مسئول هستند «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (شعیری، بی تا: ۱۱۹). البته برای دگرگون کردن یک جامعه، دگرگونی همگان لازم نیست بلکه تربیت مهره‌های کلیدی کافی است که این کادرها بار ولی خدا را بر دیگران سبک کرده، و دیگران را به راه و کار خواهند کشید. در این نظام، باید از عوامل رشد، پاسداری و سازندگی جامعه گفتگو کرد.

این جامعه نیازمند رهبری و نیازمند تنظیم است و امامت طرح حکومتی شیعه و بیانگر نظام سیاسی اسلام است. امامت ادامه رسالت است و در بحث از آن باید به پرسش‌هایی در خصوص ضرورت رهبری، هدف‌های حکومتی، ملاک انتخاب حاکم و شکل انتخاب حاکم، تیپ‌بندی در داخل و در سیاست بین‌الملل پاسخ گفت.

مرحله بعد، نظام اقتصادی جامعه است. در این نظام، تولید و توزیع و مصرف، سپس نظام مالی و سیستم پولی و نوع روابطی که به وجود می‌آید با آن بینش اساسی رابطه دارند. در این نظام، جامعه براساس نیازهایش تولید و براساس ضرورت‌هایش توزیع و منهای هوس و تجمل مصرف می‌کند. شغل‌ها و خدمات براساس نیازها و اهمیت‌ها و ضرورت‌ها و استعدادها، تقسیم و توزیع می‌شود. آنچه تولید می‌شود، به مصرف نیازها می‌رسد. در مرحله توزیع هم همین‌طور است. توزیع و مصرف براساس همان عوامل صورت می‌گیرد و مسئله مصرف با مسائل ایثار و انفاق، پیوند می‌خورد و مرتبط می‌شود.

مسائل حقوقی و قضایی و جزایی هم براساس بینشی متفاوت مطرح می‌شود. حقوق

۱. برای تفصیل بحث ر. ک: صفایی حائری، ۱۳۸۳ ش: ۱۹؛ همو، ۱۳۸۴ ش: ۱۰۰؛ همو، ۱۳۸۲ ش: «ب»: ۱۱۴-۱۱۶.

اسلامی بر این بینش استوار است که در هستی، قدر و اندازه‌هایی وجود دارد، نظام و روابطی وجود دارد و این «اقدار»، حدودی را به وجود می‌آورند و این «حدود»، حقوقی را و این «حقوق»، در رابطه با نظام حاکم بر هستی مطرح است، نه در رابطه با نظام تولیدی جامعه و روابط اقتصادی آن.

این طرح‌ها ما را به نکات سودمندی در ترتیب تحقق و محتوای نظام‌ها متوجه می‌کند اما ساختار محتوایی نظام را مشخص نکرده و مشکل ما در طراحی هندسه درونی نظام‌ها را هم چنان باقی می‌گذارد.^۱

مرحوم صفایی در آخرین نوشته‌های خویش توجهی دوباره به بحث نظام‌ها داشته است. او در کتاب *از معرفت دینی تا حکومت دینی* از زاویه‌ای تازه به موضوع نظام پرداخته و طرحی تازه تحت عنوان نظام پاسخگو ارائه کرده است. این سخن در برابر جریانی مطرح شد که دین را در مبدأ و معاد خلاصه کرده، آن را از زندگی دنیایی برکنار می‌دانستند (سروش، ۱۳۸۵ ش: ۲۸۰؛ مجتهدی شبستری، ۱۳۷۸ ش: شماره ۴۶، ۵-۱۳)؛ کسانی که با احساس ناکامی دین در آزمون معاصر و تاریخی آن و دیدن مشکلات و مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی حقوقی و مشاهده موفقیت کشورهای صنعتی و فراصنعتی در جواب‌های علمی و غیردینی راهی جز کم کردن انتظارات از دین و اکتفا به دین حداقلی نمی‌دیدند.

صفایی بر این نکته تأکید می‌کند که اگر استعدادها و نیازهای آدمی را فراتر از زندگی دنیوی بدانیم و احتمال پیوند او را با عوالم دیگر بپذیریم ناچاریم به سطحی دیگر از مدیریت و برنامه‌ریزی بیندیشیم؛ زیرا علم و تجربه در حوزه پدیده‌های مشهود کاربرد دارد و برای آدمی که به غیب و شهادت مربوط است محتاج به خداوندی که بر غیب و شهادت احاطه داشته باشد. برای گرفتن پاسخ‌ها از دین ناچار از رفتن به راه اهل سنت و استفاده از قیاس و استحسان و امثال آن نیستیم؛ چراکه دین با رسول آغاز شده و با هدایت‌های او، آدمی به معارف و مبانی و عقاید و آرمان‌ها می‌رسد و نظام‌سازی با همین دو، که از منابع و دلالت‌ها به دست آمده، آغاز می‌شود و در هر شرایطی، به ما دستورالعمل را خواهد داد. این نظام‌سازی است که احکام را زیرپوشش می‌گیرد و نظام تربیتی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و حقوقی را به دنبال می‌آورد. این نظام‌ها نه فقط با احکام درگیر نمی‌شود بلکه جهت و روح حکم را نیز

۱. تلاش نویسنده برای تلخیص رویکرد مرحوم صفایی در بحث نظام‌ها نباید به معنای ادعای ارائه جامع فرمایشات ایشان در بحث نظام‌ها تلقی شود. این نوشته صرفاً در حد نیاز بحث فعلی به اندیشه آن مرحوم توجه کرده و البته به قصور خود نیز واقف است.

مشخص می‌کند و تمامی عرصه‌هایی را زیر پوشش می‌برد که در طرح مرحوم صدر منطقه الفراغ تلقی شده بود. اینهاست که ادله خاص و موردی را تبیین کرده، قیود مختلف را منقح می‌نماید. از نظر صفایی، عمومات، اطلاعات و قواعد کلی، عرف و قراردادها را در منطقة الفراغ تأیید می‌کند و پاسخگوی مشکلات می‌شود.

مراد صفایی از مبانی در طرح اخیر، صرفاً گزاره‌های هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه نیست بلکه همه پیش‌فرض‌ها و مسلماتی است که می‌توانند پایه‌ای برای طرح‌های دینی باشند، حتی اگر این پیش‌فرض‌ها از حوزه احکام بوده و داخل در عرصه باید‌ها قرار بگیرند. این طرح اگرچه بحث منطقة الفراغ مرحوم صدر را با پاسخی کنار می‌زند اما چگونگی ارتباط میان پیش‌فرض‌ها با نتایج بعدی را مشخص نکرده، راه غلبه بر معضل اصلی یعنی ارائه طرح‌گونه و سامان‌مند احکام دین را معلوم نمی‌کند.

مهدی هادوی در مقاله نظریه اندیشه مدون (هادوی، ۱۳۷۷ش: شماره ۷، ۹۸-۱۰۸) تلاش کرده است تا طرحی برای نظام‌های اسلامی ارائه دهد که عمدتاً ناظر به حوزه اقتصاد است. در این طرح، چهار مقوله «فلسفه...»، «مکتب»، «نظام» و «نهاد» تعریف شده است که اولی نمود جهان‌بینی در عرصه‌ای خاص از حیات است و دومی بر اهداف و بر امور مسلم دینی - مبانی - در عرصه‌ای خاص مشتمل بوده و سومی مجموعه‌ای از نهادهای جهان‌شمول است که براساس «مبانی» شکل گرفته و تحقق بخش اهداف خواهند بود. نهادهای یک نظام، الگوهای تثبیت‌شده از روابط افراد، سازمان‌ها و عناصر دخیل در یک زمینه است که واجد چهار ویژگی هستند: جهان‌شمولی، قابلیت تحقق خارجی، ابتناء بر مبانی و در راستای اهداف و سامان‌دهی به حقوق جهان‌شمول. دستگاه نهادهای جهان‌شمول با توجه به موقعیت و عوامل موجود ما را قادر به استنتاج نهادهای موقعیتی می‌کنند. براین اساس، پس از استخراج نظام‌های اسلامی می‌توان به سازوکاری دست یافت که با موقعیت خاص سازگار باشد. از این سازوکار در نوشته‌ای دیگر به «سیستم» تعبیر شده است. کاستی‌های طرح هادوی را در بخش گذشته مورد کندوکاو قرار دادیم.

رویکرد چهارم: پاسخ به پرسش‌های کلیدی برای ساختن نظام

ادعای پاسخگویی دین به همه نیازهای انسان و جامعه انسانی که در برابر مکاتب نوین مطرح شد بر پایه باور به جامعیت دین و اعتبار دستورات آن تا روز قیامت - خاتمیت - شکل گرفته است. همچنین ادعای جوابگویی به نیازهای حکومت اسلامی نیز بر دوپایه

جامعیت و خاتمیت استوار است. طرح نظام‌های دینی برخاسته از این پیش‌فرض است. اما این پاسخگویی به نیازها به چه معنا است و آیا باور ما بر این است که دین پاسخگوی هر پرسش کوچک و بزرگی در همه عرصه‌های زندگی است؟

ادعای پاسخگویی مستقیم کتاب و سنت به همه پرسش‌ها سخنی است گزاف که نه دلیلی بر آن اقامه شده و نه موجودی محتوای ادله با آن سازگاری دارد. آری، ادله متعددی بر جامعیت دین نسبت به همه نیازها تا روز قیامت وارد شده است، اما این سخن به معنای بی‌نیازی ما از علوم تجربی و مطالعات موردی نیست.

اگر در هر حوزه‌ای از ضوابط زندگی، به جمع‌آوری و تنظیم و تحلیل سؤالات روی بیاوریم و به سوی سؤالات کلیدی و پایه‌ای حرکت کنیم به روشنی خواهیم دید که در کنار تأثیر علوم تجربی و مطالعات موردی، برخی پرسش‌هایی کلیدی در هر عرصه نقشی اساسی دارند. مثلاً در عرصه اخلاق، تصویری که از ویژگی‌های انسان داریم، راه حل ما برای تحول نفسانی انسان، آرمان‌هایی که برای او تصور کرده‌ایم، و مسیری که برای رسیدن به این آرمان‌ها پذیرفته‌ایم، کلیدی‌ترین نکاتی است که در پاسخ به سؤالات ناگزیر از تکیه بر آنها هستیم. در عرصه اقتصاد، گزاره‌هایی کلیدی هستند که اهداف تولید، چگونگی تقسیم ثروت، شکل‌های مالکیت، چگونگی ایجاد و اضمحلال آن، نقش دولت در اقتصاد و امثال آن را مشخص می‌کند.

دین برای پاسخگویی به نیازهای ما در هر عرصه کافی است و قادر است پاسخگوی این پرسش‌های کلیدی در همه عرصه‌ها باشد. این پاسخ‌ها چه به صورت مستقیم باشد و یا در قالب عموماً و اطلاعات و حتی در شکل امضای سیره‌ها و قراردادهای عقلایی، پاسخ دین تلقی شده و نقش اصلی را در پاسخ به هر سؤالی بازی خواهد کرد.

نظام‌های دینی در هر عرصه با پاسخگویی به پرسش‌های کلیدی آن شکل می‌گیرد. این سامانه پس از ترکیب با شرایط بدل به نظام زمانی و مکانی خاص می‌شود. در شناخت این شرایط و در ترکیب آن با نظام‌های دینی، آگاهی‌های علمی و مطالعات موردی به کار گرفته می‌شود و توانمندی‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی و استفاده از تجربه‌های پیشین نیز به کارآمدی نتیجه منجر خواهد شد.

به بیان دیگر، باید به احکام اقتصادی دین و مبانی و اهداف آن در عرصه اقتصاد به مثابه پاسخ‌هایی نگریست که به پرسش‌های کلیدی در عرصه حیات اقتصادی داده شده است. هنگامی که اهداف احکام دینی را دریابیم و ارتباط میان آن را درک کنیم دیگر به مثابه دستوراتی متفرق در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه خود را با طرح‌های منسجمی مواجه می‌بینیم

که پاسخگوی پرسش‌های کلیدی در حوزه‌های مختلف مسائل اقتصادی بوده و در کنار مبانی و اهداف اقتصادی پاسخگوی همه پرسش‌هایی خواهند بود که در این عرصه مطرح است. البته در پرسش‌هایی که به موقعیت زمانی و مکانی ما مرتبط است باید آماده نوعی تطبیق بود و آموزه‌های فرا موقعیتی را با علم و آگاهی‌های مربوط به آن موقعیت خاص ترکیب کرد و به جواب رسید.

این سخن را در نظام‌های دیگر دین نیز می‌توان تکرار کرد. مثلاً در نظام اخلاقی اسلام، پاسخ‌های کلیدی مرتبط با سؤالاتی است که از مکانیسم تحول اخلاقی انسان مطرح می‌شود و همچنین از سیر تحول آدمی در وصول به جایگاه‌های مختلف در ارتباط با خدا و در ارتباط با نقش انسان در جامعه و در نظام تربیتی از مراحل تربیت و نقش مربی و ویژگی‌های او باید گفتگو کرد و آداب معاشرت و دستورات مربوط به اهل علم و ارتباط آنان با مردم در ارتباط با یکدیگر دید و طرح‌های دین در عرصه تربیت را دریافت.

نتیجه‌گیری

در جستجوی نظام‌های اسلامی نباید در دام بحث لغوی افتاد و به مشکل و نیازی اندیشید که به خاطر آن به این بحث روی آورده‌ایم. ادعای جامعیت دین نسبت به همه نیازهای بشر و ادعای خاتمیت اسلام برای همه شرایط تا روز قیامت، ما را ناگزیر از تأمل در طراحی می‌کند که آموزه‌های دینی را در زمانی فراهم آورد که بتوان در هر شرایطی، پاسخگوی نیازها بود و مجموعه‌ای سامان‌مند از آموزه‌های دینی را برای هر عرصه حیات بشری تدارک دید که پاسخگوی همه نیازهای ما باشند. فراموش نکنیم که وحی نیامده است تا بر جای علوم و آگاهی‌های دیگر بنشینند بلکه پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهایی است که عقل و فکر توان دست‌یابی به آن را نداشته‌اند. این پاسخ‌ها اساس بنایی را خواهد گذاشت که با همراهی علم تجربی و مطالعات موردی به طرح‌های گوناگون برای شرایط مختلف می‌انجامد که همگی منتسب به دین هستند؛ چراکه پایه‌های همه پاسخ‌ها از دین گرفته شده‌اند.

منابع

۱. باقری، خسرو (۱۳۸۶ش)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه، هفدهم.
۲. جاسبی، عبدالله (۱۳۷۶ش)، *ارزیابی و نقد نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیسم*،

- تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، اول.
۳. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۵ش)، *بسط تجربه‌ی نبوی*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، پنجم.
 ۴. شعیری، محمدبن محمد (بی تا)، *جامع الأخبار*، نجف: مطبعة حیدریه، اول.
 ۵. صدر، سیدکاظم (۱۳۸۷ش)، *اقتصاد صدر اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، دوم.
 ۶. صدر، محمدباقر (۱۳۸۷ش)، *اقتصادنا*، قم: بوستان کتاب، سوم.
 ۷. صفایی حائری، علی (۱۳۹۱ش)، *انسان در دو فصل*، قم: لیلۃ القدر، هفتم.
 ۸. صفایی حائری، علی (۱۳۸۱ش «الف»)، *رشد: تفسیر سوره والعصر*، قم: لیلۃ القدر، پانزدهم.
 ۹. صفایی حائری، علی (۱۳۸۱ش «ب»)، *روش نقد*، قم: لیلۃ القدر، اول.
 ۱۰. صفایی حائری، علی (۱۳۸۲ش «الف»)، *از معرفت دینی تا حکومت دینی*، قم: لیلۃ القدر، اول.
 ۱۱. صفایی حائری، علی (۱۳۸۲ش «ب»)، *درس‌هایی از انقلاب (قیام)*، قم: لیلۃ القدر، اول.
 ۱۲. صفایی حائری، علی (۱۳۸۳ش)، *نظام اخلاقی اسلام*، قم: لیلۃ القدر، اول.
 ۱۳. صفایی حائری، علی (۱۳۸۴ش)، *صراط*، قم: لیلۃ القدر، سوم.
 ۱۴. صفایی حائری، علی (۱۳۸۵ش)، *مسئولیت و سازندگی*، قم: لیلۃ القدر، اول.
 ۱۵. صفایی حائری، علی (۱۳۸۶ش)، *حرکت (تحلیل جریان فکری و تربیتی انسان)*، قم: لیلۃ القدر، دوم.
 ۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت، دوم.
 ۱۷. قنواتی، جلیل و دیگران (۱۳۷۷ش)، *نظام حقوقی اسلام*، قم: انتشارات اسماعیلیان، اول.
 ۱۸. لاروزی، ژوزف (۱۳۵۵ش)، *نظام‌های اقتصادی*، ترجمه: شجاع‌الدین ضیائی‌ان، تهران: نشر دانشگاه تهران.
 ۱۹. لاروزی، ژوزف (۱۳۶۷ش)، *مکتب‌های اقتصادی*، ترجمه: جهانگیر افکاری، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، اول.
 ۲۰. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸ش)، «بستر معنوی و عقلانی علم فقه»، *نشریه کیان*، شماره ۴۶.
 ۲۱. نمازی، حسین (۱۳۸۲ش)، *نظام‌های اقتصادی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، اول.

۲۲. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۷ش)، «نظریه اندیشه مدون»، نشریه قیاسات، دوره سوم، شماره ۷.

۲۳. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۳ش)، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد، دوم.

24. System. In YourDictionary. Retrieved 10 31, 2019, from: <https://www.yourdictionary.com/system>
25. System. In CambridgeDictionary. Retrieved 10 31, 2019, from: <https://dictionary.cambridge.org/pl/dictionary/english/system>
26. System#Websters. In YourDictionary. Retrieved 10 31, 2019, from: <https://www.yourdictionary.com/system#websters>
27. System. In BusinessDictionary. Retrieved 10 31, 2019, from: <http://www.businessdictionary.com/definition/system.html>
28. Metaethics. In Stanford Encyclopedia of Philosophy. Retrieved 10 31, 2019, from: <https://plato.stanford.edu/entries/metaethics>

